

بانکی کشور باشیم. برای تحقق این آرمان و رسیدن به این امر، لازم است از نقش دولت در اقتصاد کاسته شود. شواهد حاکی از آن است که دولت، توان اجرای صحیح قوانین را چه در سطح بانکها و چه در سطوح اقتصادی دیگر ندارد. به علاوه و با توجه به کارکرد اصلی اقتصاد (رابطه بین عرضه و تقاضا)، وجود بسترهای مناسب برای شکل گیری این سازوکار از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ■

تشکیل تشکلهای

شکوفایی صنعت با تشکلهای

تشکلهای در توسعه امور اقتصادی - اجتماعی نقش بسزایی دارند؛ توسعه آنها را جدی بگیریم.



بیشتر در امور تولیدی و امثال آن، گامهای اساسی برداشته و در مورد افزایش نقش مردم در زندگی اقتصادی - اجتماعی به فعالیت می پردازند و بدین طریق، نظر و باور مردم را در زمینه لزوم همکاری تنگاتنگ دولت و مردم و نقش سازنده آن در پیشرفت های

اقتصادی و افزایش سطح بهره وری تقویت می نمایند.

در رابطه با مشارکت و همکاری جامعه و مردم، دولت با ایجاد تشکلهای، عامل مهمی در بازسازی اقتصادی کشور به شمار می رود. این مشارکت، فضایی ایجاد می کند که به مردم اجازه می دهد برای بسط و گسترش صنعت، تلاش و فعالیت بیشتری به عمل آورند و نقش اساسی تری در پیشرفت و توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور ایفا نمایند و بدین طریق، زمینه های لازم را برای وسعت بخشیدن و تحکیم موقعیت بخش خصوصی در اقتصاد کشور فراهم سازند. تشکلهای با داشتن ارتباط مستقیم با واحدهای صنعتی - تولیدی از نیازهای آنها به ویژه در زمینه منابع انسانی آگاهی بیشتری داشته و با استفاده از چنین موقعیتی می توانند به رفع نیازهای این واحدها در زمینه های مختلف به ویژه آموزش نیروی انسانی، اعم از آموزش علمی و یا آموزش فنی - حرفه ای و برنامه ریزی در زمینه ایجاد یک نظام آموزشی مفید و ثمربخش مساعدت نمایند. در این رهگذر، بالا بردن سطح دانش و تخصص مدیران و نوسازی و بهسازی اطلاعات و بازآموزی آنان برای آشنایی با آخرین دستاوردهای علمی و فنی نیز از مهمترین اقدامات تشکلهای در زمینه توسعه منابع انسانی به شمار می رود.

نقش تشکلهای در امر قانون گذاری، تنظیم و اصلاح قوانین و مقررات و بررسی کاستی های قوانین موجود و نیاز جامعه به قوانین و مقررات جدید به ویژه در زمینه های اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است و از آنجا که تشکلهای به عنوان نمایندگان مردم از نیازهای جامعه آگاهی دارند و وجود این یا آن قانون و بازنگری در این و آن قانون را ضروری می دانند، لذا می توانند با هدایت و راهنمایی دولتمردان و قانون گذاران در تهیه و تصویب قوانین جدید و بازنگری و اصلاح قوانین قدیمی در چارچوب نیازهای جامعه رو به رشد کشور نقش اساسی ایفا نمایند.

از سوی دیگر، تشکلهای که نهادهای مردمی هستند و به عنوان رابط و واسطه میان دولت و مردم عمل می کنند، می توانند خواسته ها و نظرات مردم را جمع آوری، بررسی و تعدیل نموده به دولت ارائه دهند و یا به صورت طرح قانونی به دولت عرضه نمایند و پس از تصویب در هیأت دولت و مجلس قانون گذاری، از آن حمایت کنند و در اجرای دقیق آن اهتمام ورزند. از سوی دیگر، تشکلهای می توانند در بهبود کیفیت محصولات تولیدی واحدهای صنعتی نیز نقش مهم و اساسی داشته باشند و از طریق ارائه خدمات تخصصی، لزوم بهبود کیفیت کالاها و تنظیم مکانیزم های قانونی کیفیت کالا را مورد سنجش قرار داده و مدیران واحدهای صنعتی را در امر بالا بردن سطح کیفیت کالاهای خود یاری دهند و بدین ترتیب، به رقابت پذیری کالاها و محصولات صنعتی در برابر محصولات دیگر کشورها در بازارهای جهانی کمک کنند و در عین حال، پیشرفت بیشتر اقتصادی واحدهای مذکور را امکان پذیر سازند.

از رشد بی رویه نقدینگی، بانکها این توان را خواهند داشت که بنا بر مصلحت خود، سود تسهیلات بانکی را کاهش داده و موجب تشویق سپرده گذاران به سرمایه گذاری بیشتر شوند. در صورت اجرای صحیح قوانین به نحوی که بانکها موظف به چاپ صورت های مالی خود به صورت سه ماهه باشند، از ضریب تخلف در سیستم بانکی کشور، خود به خود کاسته خواهد شد. در چنین شرایطی می توانیم شاهد رونق سیستم

با پیشرفت های فن آوری و گسترش همکاری های بین المللی و بسط اندیشه جهانی شدن اقتصاد و هماهنگ شدن بازارهای بین المللی و افزایش حجم معاهدات و سرانجام، افزایش سرمایه گذاری ها، نیاز به تصمیم گیری های جمعی، مشارکت فعال و مؤثر گروهی به نحو مؤثری خودنمایی می کند و در پاسخگویی به این نیازها است که وجود تشکلهای ضرورت می یابد. از سوی دیگر، تغییرات و دگرگونی های سریع و شرایط اقتصادی جامعه بین المللی و لزوم مشارکت عواملی غیر از دولت جهت حل مسایل و مشکلات مرتبط با این تغییرات، ضرورت توسعه و گسترش این قبیل تشکلهای را ملموس تر ساخته است. این تشکلهای با بیان واقعیات اقتصادی کشورها در مذاکرات گوناگون بین المللی می توانند دولت ها را در حل مشکلات، هدایت و راهنمایی کنند. در واقع باید گفت، تقریباً بیشتر اختلافاتی که در بسیاری موارد در جامعه بین المللی رخ داده از طریق مذاکره و راهنمایی تشکلهای طرفین شده است. تشکلهای صنعتی به عنوان پل ارتباطی همکاری های چند جانبه بین تشکلهای داخلی و سایر تشکلهای موجود در جهان عمل می نمایند و این پیوند باعث می شود تشکلهای داخلی با موضوعات مختلفی که در سطح بین المللی وجود دارد آشنا شده و زمینه لازم را برای استفاده و بهره برداری از آن در داخل کشور فراهم سازند. از سوی دیگر، تشکلهای در سطح کشورهای مختلف به لحاظ اطلاعاتی که در مورد نیاز کشورها به سرمایه دارند، می توانند به عنوان اهرم مهمی در هدایت سرمایه گذاری ها، جهت اجرای برنامه های توسعه صنعتی عمل کنند.

انتقال تجارب در زمینه استفاده بهینه از تکنولوژی و توسعه همکاری های تکنولوژیک با سایر سازمانها و تشکلهای منطقه ای و بین المللی، از دیگر فواید ایجاد و حضور فعال تشکلهای می باشد.

ضرورت دیگر وجود تشکلهای، امکان پذیر ساختن انتقال تجربه مدیران بخش خصوصی - دولتی است و این خود به افزایش کارایی و اثربخشی سیستم اقتصادی کشور یاری می رساند و از آنجا که در شرایط فعلی، حل و فصل مسایل و موانع به صورت انفرادی و انتزاعی امکان پذیر نبوده، نیاز به خرد جمعی و مشارکت همگان دارد، به این ترتیب است که تشکلهای و گسترش تشکلهای صنعتی ضرورت می یابد. از دیگر عواملی که ضرورت تشکیل و تأسیس تشکلهای صنعتی را در سطح واحدهای اقتصادی یک کشور مشخص می کند، پرهزینه بودن بسیاری از فعالیت های تحقیقاتی آموزشی و سمینارها و نشست های علمی مورد نیاز جامعه صنعتی است به نحوی که یک واحد صنعتی - تولیدی به تنهایی قادر به انجام چنین فعالیت هایی نخواهد بود.

نقش تشکلهای کارفرمایی

مشارکت تشکلهای در تصمیم گیری های مربوط به اقتصاد کشورها بسیار مهم است. بدین ترتیب که در تنظیم سیاست های اقتصادی، دولتمردان و تنظیم کنندگان سیاستها باید از همکاری، راهنمایی و مشورت متخصصان و کارشناسان برخوردار گردند. بدیهی است تشکلهای و انجمنها که مرکب از افرادی شایسته، آگاه، آشنا به تخصص های روز، رویارها و مسایل داخلی هستند می توانند راه حل های علمی و عملی به آنان ارائه داده و موجب اتخاذ تصمیمات منطقی در زمینه های مورد نظر شوند.

تشکلهای صنعتی با پذیرش برخی مسؤولیتها به ویژه در اداره امور اقتصادی کشور، از تصدی دولت در زمینه های مذکور کاسته و به عنوان مشوق مردم در قبول مسؤولیت های

اهداف تشکلهای

طبیعتاً هدف‌هایی که تشکلهای نیل به آن را اصل کار خود قرار می‌دهند، تأثیر بسزایی در پیشبرد نقش آنها دارد. تشکلهای دارای اهداف و رسالت‌هایی هستند و برای نیل به آن اهداف و دستیابی به توسعه اقتصادی باید نقش خود را به نحو فعالی ایفا نمایند.

در زیر به اهداف عمده تشکلهای اشاره می‌کنیم.

- ۱) فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ارتقای سطح فرهنگ صنعتی کشور و کمک به تدوین استراتژی‌ها و تعیین سیاست‌های صنعتی کشور
- ۲) کمک به توسعه صنعتی و افزایش نقش و سهم صنعت در تولید، اشتغال، درآمد ملی و رفاه
- ۳) تلاش جهت پذیرش تفویض اختیار و مسئولیت سازمان‌های دولتی در خصوص برنامه‌ریزی و امور اجرایی
- ۴) کوشش جهت فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای مشارکت در پیشبرد اهداف صنایع و همکاری و تقابل صمیمانه با دولت
- ۵) کمک به توسعه بخش خصوصی و تقویت نقش آن در اقتصاد ملی
- ۶) کمک به توسعه و ارتقای مدیریت کارآفرینی و افزایش بهره‌وری

فدرالیسم در عراق

تجزیه! راه حل معادله عراق؟

تکه و پاره کردن عراق برای خاورمیانه فاجعه به بار خواهد آورد.

طرح فدرالیسم عراق حاوی سه منطقه کردی، سنی و شیعی از سوی کنگره آمریکا بدون ضمانت اجرایی، مورد حمایت قرار گرفته است که در صورت عملی شدن، شاهد تغییرات ژرفی در جغرافیای سیاسی منطقه خاورمیانه خواهیم شد.

بعد از فروپاشی رژیم صدام، طرح‌های مختلفی جهت ایجاد یک کشور فدرالی در عراق از سوی برخی از احزاب سیاسی داخل عراق و بعضی از کشورهای مطرح شده بود. ولی به جهت درگیری آمریکا برای دولت‌سازی جدید در عراق و از سوی دیگر، افزایش درگیری‌های ارتش آمریکا با القاعده و بازماندگان صدام، آمریکایی‌ها از گسترش ایده این طرح به طرق مختلف ممانعت می‌کرده‌اند. البته آمریکا مخالف این طرح نیست. ایجاد کشورهای کوچک مبتنی بر مذهب و قومیت که از اصول این طرح است و یا تشکیل دولت فدرال در عراق می‌تواند بخشی از پازل طرح خاورمیانه‌ای آمریکا را در ذهن برخی از سیاستمداران این کشور تکمیل کند.

در شرایط حال که آمریکایی‌ها تاحدودی توانسته‌اند بر مشکلات خود در عراق فایق آیند، به این نتیجه رسیده‌اند که بدون همکاری با احزاب سنی و حتی بعضی نمی‌توانند امنیت مورد نظر خود را در عراق تأمین کنند. به این دلیل، اول اقدام به مسلح کردن عشایر سنی به بهانه مبارزه با القاعده نمودند و از سوی دیگر، با سران حزب بعث جهت مشارکت در اداره کشور وارد گفتگو شدند. این دو موضوع از موارد اختلاف دولت آقای مالکی با آمریکا بوده است.

تجزیه عراق به سه منطقه مستقل و تشکیل یک دولت فدرال با دادن خودمختاری به کردها در منطقه شمال، شیعه‌ها در جنوب و سنی‌ها در مناطق میانی با اشکالات عمده‌ای روبه‌رو شده که در پشت ظاهر خوش و دمکراتیک آن، فاجعه برای ملت عراق به دنبال خواهد آورد. از سوی دیگر، نباید منطقه کردستان عراق که در شمال این کشور قرار دارد را با سایر مناطق مقایسه کرد، چرا که بعد از جنگ اول خلیج فارس که در سال ۱۹۹۱ به رهبری آمریکا جهت بیرون راندن صدام از کویت انجام گرفت، آمریکا با حمایت از کردها اقدام به تعیین مدار ۳۶ درجه پرواز ممنوع در شمال عراق نمود. این حرکت عملاً زمینه را در منطقه شمال عراق که گردنشین بود برای دولت‌سازی گردی آماده کرد. ولی در همان زمان، نیروهای ائتلاف مانع قتل عام شیعیان در جنوب توسط صدام نشدند. پس از اشغال عراق در جنگ دوم خلیج فارس (در سال ۱۳۸۲ برابر با ۲۰۰۳)، عملاً یک دولت خودمختار گرد با پرچم و دولت محلی با تجربه ۱۲ ساله تشکیل شد که به صورت مستقل، حتی قراردادهای مرزی و گمرکی با برخی از کشورهای همسایه منعقد کرد. ولی سایر مناطق همچون مناطق شیعیان که اکثریت جمعیتی

۷) تلاش جهت انتقال تجارب مختلف میان شرکت‌های عضو و ارتقای تحصیلات، مهارت‌ها و فن‌آوری

۸) تلاش جهت کاهش وابستگی واحدهای اقتصادی به دولت و امکانات دولتی

۹) کمک به ایجاد نهادهای مالی و شرکت‌های فعال در بازار سرمایه

۱۰) کمک به ایجاد روحیه متکی بر اعتماد به نفس و کارآفرینی در مدیران اقتصادی

۱۱) گسترش ارتباط میان رهبران تشکلهای هم‌اعم از کارگری و کارفرمایی با دولت و دیگر

سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی

۱۲) تلاش جهت استفاده بهینه از منابع موجود با توجه به نیازهای نسل‌های آینده کشور

۱۳) هدایت سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در انتخاب رشته فعالیت‌ها برای سرمایه‌گذاری و جلوگیری از هدر رفتن منابع

۱۴) تلاش جهت ارتقای کیفیت کالاها و خدمات به منظور رقابتی کردن تولیدات و

توانا ساختن واحدهای صنعتی در عرصه جهانی و افزایش صادرات

بدون تردید، تشکلهای اجتماعی که مدافعان ساختارهای اقتصادی-اجتماعی جامعه

می‌باشند در تلاش هستند تا از طریق ارائه خدمات تخصصی و گسترده خود در

زمینه‌های مختلف، قدرت رقابت صنعتی کشور را افزایش بخشند. ■



مردم عراق را تشکیل می‌دهند، از چنین تجربه‌ای برخوردار نشده‌اند. لذا بعد از فروپاشی صدام، کردها بیشترین منفعت سیاسی و اقتصادی را از موقعیت جنگ به دست آورده‌اند. در حال حاضر نیز شرایط آنها جهت استقلال یا خودمختاری از سایر مناطق آماده‌تر است.

طرح پیشنهادی کنگره آمریکا در خصوص فدرالیسم عراق با گروه‌های قومی و مذهبی کرد، شیعه و سنی، گرچه هنوز به تجزیه اشاره ندارد، ولی می‌تواند آستان تحولات فاجعه‌باری باشد. البته این طرح برای کردها مشکلی به وجود نمی‌آورد. کردها در شمال، هم مناطق نفت‌خیز مناسبی در اختیار دارند و هم حمایت کامل آمریکا را (حتی در مقابل ترکیه) کسب کرده‌اند. به علاوه، مناطق گردنشین از نظر پراکندگی جمعیتی و جغرافیایی مشخص بوده و انتظار می‌رود مسأله کرکوک نیز به نفع آنها با حمایت آمریکا به زودی حل شود. از طرفی این خودمختاری، زمینه تشکیل گردستان بزرگ که از در رویاهای سران گرد است را تحقق می‌بخشد و ناامنی را در شمال خاورمیانه گسترش خواهد داد. ولی در مورد مناطق سنی‌نشین و شیعیان، مشاهده می‌کنیم که بیشترین منابع نفتی در مناطق شیعه‌نشین قرار دارند. از نظر پراکندگی جمعیتی نیز بخشی از شیعیان در مناطق سنی‌نشین پراکنده‌اند (مثلاً در شهر بغداد یا سایر شهرهای بزرگ سنی‌نشین) که در صورت مرزبندی این مناطق، باید شاهد کوچ و آوارگی خیل عظیمی از مردم عراق باشیم. مسأله دیگر این است که این اقدام هنوز در خصوص مرزهای جغرافیایی و برخی از مناطق با هم اختلاف دارند و حل این موضوع به سال‌ها زمان نیاز دارد. از طرف دیگر، این مناطق هنوز تجربه دولت‌سازی و اداره مستقل دولت‌های خودمختار را ندارند از همه مهمتر آن که با اجرای این طرح، احتمال یک جنگ خونین قومی و مذهبی بین شیعیان و سنی‌ها وجود داشته و دامنه آن به کشورهای همسایه نیز گسترش خواهد یافت. لذا باید گفت که فدرالیسم و حرکت به سوی خودمختاری و تجزیه در عراق مساوی است با تغییر جغرافیای سیاسی منطقه که این موضوع، فاجعه‌ای برای خاورمیانه - خصوصاً مردم عراق، ایران، ترکیه و سوریه - به بار خواهد آورد. ■